زمزمه دلتنگی

عزای باغ حسین(ع)

من دین و آیین و کتابم حسینی است
بر منطق یزید، جوابم حسینی است
غمگینم از مصائبی که بر امام رفت
شادم که انتخاب صوابم حسینی است
تمکین نمی کنم به حاکمی بجز خدا
جان مایه ی مکتب نابم حسینی است
من عاشق حسینم و با اقتدا به اوست
بر حاکم زمانه، خطابم حسینی است
یک بر هزار برابر یک، کامل و صحیح
ارقام این حساب و کتابم حسینی است
دارم به بانک عشق پس انداز می کنم
خوشحالم ازاینکه حسابم حسینی است
با اینکه خود ؛ تشنه ی آب حقیقتم
برتشنگان، پیاله ی آبم حسینی است
بد مست دوران تنه می زد به من چرا؟!!
بدبخت ! من جنس شرابم حسینی است!!
یک مدتی غایبم از صحنه ی حضور
درعرصه هاحضوروغیابم حسینی است
فردا که شعر مرا قطعه قطعه می برند
بر پیکرش عطر و گلابم حسینی است
گرداب حادثات و بلایا ست ؛ حائلم
شکر خدا به سفینه ترابم حسینی است
بر جلوه ی حقیقت و زیبایی کلام
بالاترین حدّ نصابم حسینی است
آتش زدی دوباره به باغ دلم امیر!!
داغ و عزای قلب کبابم حسینی است

■ اصغرامیرالدین درویشی(امیر)

داستان کوتاه

مثل هیچ کس، صورتی

■ [مهسا بهمنی]

قصه اش تمومی نداشت ، مثل قصه ی اونی که پرزد و حتی به هوای یکی بود و یکی نبود هم برنگشت . تا بر سه به زیر گنبد کبود که هیچ وقت اتفاق نیفتاد . چون همیشه دوست داشت رنگی باشه، اون قدر رنگی با شه که حتی بارون چشاش نتونه اونو کم رنگ کنه. برای همین عادت داشت چشاشو ببنده و توی آبی نقاشیش غرق بشه ؛ اون قدر که حتی یادش می رفت امروز چه رنگیه ! صورتی ، سبز ، آبی ، کدوم یکی می تونست قشنگ تر باشه؟! با خودش گفت: اصلاً چه رنگیه ؟ بهش میاد یا نه؟! خیلی گیج شده بود . مثل چرخ و فلك دور خودش می چرخید . انگار نه انگار آبی شده، دست خودش نبود چون تا به حال این همه آبی یه جا ندیده بود. چشاشو می بنده وبا ته مونده رنگی که براش باقی مونده یکی در میون انتخاب میکنه . اما هیچ کدوم اونی نبود که می خواست .وقتی که چشاشو باز می کنه ، بوم نقاشیش رو می بینه با صحفه یی که خطهای رنگی تمام نقطه های سفیدش پر کرده.اولش بدجوری تو ذوقش خورد.

ولی بعد یه دفعه دوتا خط موازی رو می بینه که تازه رنگی شدن ومدام صورتی علامت می دن . نیمه نگاهی به اونا می ندازه ، معلوم بود یه جایی اونارو دیده ،درست حدس زده بود.دقیقاً شبیه همون کوچه یی بود که توی آینه مقابل چشاش پرسه می زد وساعت ها مقابلش می ایستاد و با خودش زمزمه می کرد ؛ واون قدر می بارید تا صورتی قلبش پر رنگ تر می شد وتا لحظه ی غزل های بارونی اش مثل همیشه به کوچه خیره می شد و انتظار رنگی رو می کشید که همه جا می تونست باشه حتی توی شب هایی که هیچ رنگی نداشتند تا بالاخره به خواب می رفت ، خوابی که می تونست طلایی باشه یا حتی...

بار اولش بود که از این کوچه عبور می کرد . خیلی براش سخت بود که از بین این همه کوچه پس کوچه، جایی که می خواست پیدا کنه . برای همین همیشه فردا با دستاش شمارش می کرد. فردایی که میتونست هر رنگی باشه حتی هم رنگ آبی چشمایی که در انتظار دریا شدن اون قدر می باریدند که جایی برای هیچ رنگ دیگه یی باقی نمی گذاشتند اما می دونست ردّ پای بارون با بال بال زدن برای نگاهی که هیچ وقت بالاشو نبست پیدا نمی شه ، حتی توی شب های بارونی ! چون اون قدر زیر چتر نگاهش جا خوش می کرد که جایی برای بارونی شدن نذاشته بود. حس عجیبی ، سکوت را در لحظه لحظه ی نگاهش پر کرده بود . چشاش همه جا رومی گشت .

نمی دونست داره کجا می ره . تا این که به بن بست کوچه رسید . یه دفعه سایه یی دید که روی دیوار قایم موشک بازی می کنه اولش فکر کرد داره خواب می بینه . ولی بعد که خواب نگاه کرد، باورش نشد یه نگاه دیگه مثل من خودش توی این کوچه می خواد قدم بزنه. اون هم کوچه یی که هیچ وقت آدرس نداشت . نگاهی که همیشه بهش فکر می کرد حتی توی خلوت کوچه هایی که با هیچ صدایی شکسته نمی شد و اما پر از لحظه لحظه، حرف هایی بود که هیچ وقت گفته نشد یا شاید اصلاً شنیده نشد . حتی برای بیدهای همیشه مجنونی که غرق نگاهی می شدند که هیچ تعریفی از سلام نداشتند.

نمی دونم شاید داشت بهونه می گرفت. بهونه یه بارون یا حتی دقایقی که توی حجم نگاهی خلاصه می شد که هیچ وقت معنی نشد .حتی می تونست توی ستون آخر مقدمه ی اولین بخش کتابی باشه که هیچ وقت نوشته نشد و صدای یکی بود یکی نبود که همیشه از دور شنیده می شد. دوست داشت فریاد بزنه،چون بعد از مدت ها تازه صورتی گمشده اش را پیدا کرده بود. صورتی که نیمی از اون خودش بود و نیمی دیگه... نمی دونست باور کنه یا نه . اما اون قدر جا باز کرده بود که حتی خودش رو هم از یاد برده بود . چشاش یه لحظه هم پلک نمی خورد . مات ومبهوت غرق نگاهش شده بود. نفس نفس دنبالش می کرد. دوست داشت پر رنگ تر بشه و اونقدر پر رنگ بشه که هیچوقت از توی نگاهش گم نشه و یا حتی محو نشه . اما هر چه قدر نزدیک تر می شد فاصله دورتر می شد . اون قدر دورتر که حتی با چند قدم که هنوز جلوتر نرفته بود صدای بلندی تمام کوچه رو پر کرد.

اولش خیلی آروم شروع شد ولی بعد صدای شکستن هم جا رو گرفت . اون قدر بلند وبلندتر شد تادیگه از کنترل خارج شد نمی دونست صدا از کجاست ، اما می دونست خیلی نزدیکه ، اون قدر نزدیکه که حتی می تونه اون با دستش لمس کنه . دستش روبه طرف صدا دراز می کنه ، هر چی به سمت چپ کشیده می شه ، صدای تاپ ، تاپ زیر دستش موج می زنه . یه دفعه ، سر تا پای وجودش زمین لرزه یی به پا شد که هیچ وقت پس لرزه ی اون شنیده نشد . همه جا قرمز، اما نه ، صورتی شده بود .پاهاش بی حس شده بود ، دستاش می لرزید . هر چی می خواست صدا رو از خودش دور کنه صدا نزدیک تر می شد. نمی دونست داره پررنگ می شه یا کم رنگ . اما هر چی بود نمی خواست به آخر قصه یی برسه که هیچ وقت کلاغه به خونش نرسید ، برای همین اون قدر خودش روی توی فاصله یی که هیچ وقت کم نمی آورد گم می کرد که هیچ وقت پیدا نشد . حتی توی مسافتی که عبور هم به سختی از اون می گذشت ولی هنوز لحن صداش تا انتها ی کوچه شنیده می شد. اون قدر می لرزید که قلبش هنوز صورتی می زد .

وقتی چشاش روباز می کنه ، کلی علامت سوال های رنگی دور سرش چرخ می زدند تازه فهمیده بود خواب بوده وتوی این همه مدت توی کوچه قلبش راه می رفته . وخیلی آروم وبی صدا صورتی غصه هاش نقاشی می کرده ، کوچه یی که هیچ وقت اتفاقی نبود ، حتی برای چشم هایی که همیشه دوست داشتند ببارند.

در حاشیه نمایشگاه مطبوعات سیستان وبلوچستان !!

■ ۱۸ آذرماه سومین نمایشگاه مطبوعاتی منطقه ای خلیج فارس در سیستان و بلوچستان در حالی افتتاح شد که برخی از مطبوعات استان هرمزگان با حضور پررنگ خود رونقی به این نمایشگاه دادند و علیرغم عدم شرکت بعضی از نشریات محلی هرمزگان با کمال حیرت و تعجب بنرهاو تراکت های تبلیغاتی از صفحه اول و لوگو این نشریات که حتی چندین ماه به علت مشکلات فرارو چاپ و منتشر نشده اند و به اصطلاح فعالیت نشریاتی نداشتند حضور پررنگی روی بنرها و بیلبورهای نصب شده توسط اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان داشتند و روزنامه دریا که تنها روزنامه هرمزگان بوده و دراین نمایشگاه نیزحضوری بسیار چشمگیر و پررنگی داشت با بی مهری وبی توجهی مسئولان اداره کل فرهنگ وارشاد اسلامی استان مواجه شده لوگو و طرح صفحات آن روی هیچکدام از این بنرها وجود نداشت .

حال سئوال ما از مسئولان محترم و دلسوز! فرهنگ و ارشاد اسلامی استان که خودرا متولی مطبوعات استانی دانسته و درهر محفل و مجلسی خودرا حامی نشریات می دانند. این است که این اقدام یک بام و دو هوا را چگونه می توانند توجیه کنند وچرا متولیان به تمام نشریات با یک چشم نمی نگرند و علیرغم حضور پررنگ دریا هیچ نام و لوگویی ازآن در نمایشگاه توسط اداره کل فرهنگ وارشاد اسلامی نمایش داده نشد .

این اقدام غیرحرفه ای و سیاسی اگر از سر عناد و خصومت نباشدچه نامی برآن می توان نهاد ؟ ! همچنان حیران از این اقدام اداره کل ارشاد هرمزگان هستیم.و امیدواریم که در این زمینه پاسخ منطقی وقانع کننده داشته باشند.

انشالله

برپایی نمایشگاه نقاشی فرهنگ بومی "هرمزگان"

■ برپایی نمایشگاه نقاشی فرهنگ بومی هرمزگان به مناسبت دهه فجر با حضور مدیر کل فنی و حرفه ای این استان مدیریت آموزشگاه نقاشی رعنا با همکاری روابط عمومی اداره کل فنی و حرفه ای استان هرمزگان اقدام به برپایی نمایشگاه نقاشی به مناسبت دهه فجر انقلاب اسلامی و با هدف معرفی فرهنگ بومی مردم این استان کرد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان این نمایشگاه در رده های مختلف سنی ، در چهار سبک رئال ،کوبیسم ، امپرسیونیسم ، اکسرسیونیسم و با شرکت ٥٤ اثر از ٥٤ هنرجو و با حضور مدیر کل فنی و حرفه ای استان در بازار مرکزی بندرعباس در ۱۱ بهمن افتتاح شد و تا ٢٦ بهمن ماه سالجاری ادامه دارد .

بنابراین گزارش ، آموزشگاه نقاشی رعنا ٥ سال است به مناسبت دهه فجر عملکرد سالانه آموزشگاه خود را زیر نظر فنی و حرفه ای استان به معرض دید عموم می گذارد.

مرجان ابو ترابی اظهار داشت قصد دارد این نمایشگاه راهمه ساله و در ایام پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به یاد و خاطره آن روز ها و با حضور فرزندان انقلاب بر پا نماید. در مراسم افتتاح نمایشگاه احمدی یکی از نقاشان برجسته استان و مدیر حراست،مسئول آموزشگاههای آزاد و روابط عمومی این اداره کل حضور داشتند.

گزارش این نمایشگاه در خبر تلویزیون صدا و سیمای مرکز خلیج فارس نیز انعکاس یافت

مرجان ابوترابی یک نقاش جوان :

نقاشی ؛دنیایی با طعم آرامش!

■ [مریم هاشمی پور]

از یک ساختمان چهار طبقه بالا می روی به طبقه اول که رسیدی فلش ادامه راه را نشان میدهد.در محل مورد نظر تابلو ورود آقایان ممنوع ،توجهات را به خود جلب میکند واردمی شوی . وازاینجا

وارد دنیای دیگری می شویم ، دنیایی از جنس زیبای رنگها ؛ دنیای آواهای صامت اما گویا ! وارد تابلو نقاشی می شویم . دنیای قصه ها نه ، دقیقا تابلو نقاشی . بوی خلیج می آید ، خلیج فارس ! غرق در آبی زیبای دریا می شویم ، پرده نقره فام شرجی موج می زند و رنگ آتشین غروب بر ساحل پاشیده شده ، روی شن های ساحل انگار کسی می رود ، شاید هم کسی می آید . موج بر صخره می کوبد و آنها را آرام می بوسد و می بوید . همه چیز با تو حرف می زند . اینجا "خلیج فارس" درست لحظه رسیدن است ، لحظه ای زیبا از یک کوچ ! ! ! ! کمی آنطرف تر تابلو دیگری است ، تابلویی با بوی جنگل باران خورده با خانه های ویلایی که شانه به شانه ی هم داده اند در یک صف منظم و اینجا خزر است ، آشنا با زبان باران و سخاوت . اینجا پنجره ها راه به دریا دارند با دلهایی دریایی و این دریایی بودن چه زیبا ترسیم شده ! ترسیم هنرمندانه دستانی هنرمند ! در کوچه پس کوچه های این دهکده زیبا ی هنر در پی نقاش آنیم با ما وارد دنیای دیگری شوید ، دنیای هنرمندان ...

هنرمندی که هرساله در سالگرد پیروزی شکوهمند اسلامی نمایشگاه نقاشی فرهنگ بومی هرمزگان را برگزار می کند.

مرجان ابوترابی هنرمندی جوان و اهل کرمان . اونقاشی را دنیایی با طعم آرامش روح و روان می داند و می گوید: من از کودکی علاقه فراوانی به نقاشی داشتم و بهترین سرگرمی ام نقاشی بود. در آن دوران اولین جرقه فعالیت من با بازدید از یک نمایشگاه زده شد. و فعالیت های هنریم را زیر نظر استادان فن ادامه دادم و بعد از چندین سال کار طراحی و نقاشی دوره آموزشی را زیر نظر استاد بزرگ امام آغاز کردم.

ابو ترابی مشوق اصلی خود را در این راه خانواده اش میداند و ادامه می دهد: بهترین مشوقم غیر از علاقه شخصی پدر ومادرم بودند و استادانم کمک زیادی برای پیشرفت در هنر نقاشی انجام دادند.

وی عاشق تدریس است و می گوید: آموزش به دیگران یکی از اهداف بزرگ من بوده و هست و به همین دلیل در سال ۸۱در شهر بندرعباس آموزشگاه آزاد هنری رعنا را تاسیس کردم

ابوترابی در ادامه از ارتباط خود با هنرجویانش می گوید:ارتباط من با هنرهنرجویانم، بیشتریک ارتباط روحی است. وقتی روحها به هم گره خورد و قلبها به هم نزدیک شد، دیگر فاصله ای وجود ندارد. در بعضی موارد شاید نزدیک ترین دوست آنان به شمار می آیم.. ساعتهایی از کلاس اختصاص به بحث و گفتگو پیرامون مسایل شخصی آنان دارد و ساعتهایی نیز با آنها در مورد معنویت و مسایل روحی صحبت می کنم، زیرا اعتقاد دارم یک هنرجوی تجسمی در ابتدا باید در تکامل روح و روان خود بکوشد، روح را از زنگارهای کینه، حسد و ... پاک کند و خالص و شفاف به دنیا نگاه کند و در مسیر این تکامل روحی، آموزش مبانی طراحی، ... را هم ببیند و زمانی که روح شفاف شد، آماده پذیرش هر هنری نیز خواهد بود.

این هنرمند جوان معتقد است که آموزش هنر نقاشی باید از پایه آغاز شود و می افزاید: بهترین سن برای شروع این هنر ۱۲ سالگی است .یعنی سن نوجوانی و در مراحل بعدی می تواند دوره های مختلف را آموزش ببیند تا بتواند در این عرصه به موفقیت دست یابد.

ابوترابی در خصوص این سوال که پشتکار مهم تر است یا استعداد، اظهار میدارد: به طور کلی هر هنرجو و هنرمندی که می خواهد کار هنری انجام دهد باید مدت زیادی برای گذراندن دوره های آموزشی و فراگیری کامل نکات هنری در نظر بگیرد و این هنررا به شکل علمی پی گیری کند . پس هر دو مهم هستند و استعداد وعلاقه به تنهایی برای پیشرفت کار مناسب نیستند.

وی در تعریف خود از نقاشی می گوید: آرامش روح وروان است و افکار واحساسات آدمی را می توان روی بوم به تجلی نشست وچه زیباست خلق هنری برای دیدن !

مصرف مداوم غذای ماهی در جیره غذایی برابر است با یک عمر سلامتی

روابط عمومی اداره کل شیلات هرمزگان

پیمانکاری ارس
نقاشی ساختمان مدرن
مولتی کالر -پتینه - رنگ روغنی و کلیه کارهای ساختمانی
حلال آب غلطکی
رنگ نما -کنیتکس-سیلر کیلر
مدیریت: هوشمند ۰۹۱۷۸۶۱۸۰۴۴-۰۹۱۹۴۳۴۳۲۱۴

عکاسی و تصویربرداری دیجیتال
آتلیه کودک ، عروس و داماد
طلب محل بصورت حاضر
تخفیف ویژه در خفدهم هرماه

UPVC
پنجره دو جداره
۲۵ سال گارانتی پروفیل
درب ضد سرقت
تعویض پنجره های قدیمی
صنایع پنجره هرمزگان
حد فاصل بیمارستان کودکان و شرکت دارو پخش طبقه زیرین -مجتمع میثم
هاشمی ۰۹۱۷۷۶۸۱۸۴۵-۰۹۱۷۱۶۱۲۹۷۸

فروش ویژه محصولات گروه بهمن (مزدا)
به صورت نقد و اقساط
وانت تک کابین و دو کابین
کد نمایندگی ۱۸۵۲
پیش فروش وانت کاپرا - ایسوزو۵/۲ و۶و۸ تن
بصورت بهمن لیزینگ تنها نمایندگی رسمی
گروه بهمن در استان و عاملیت میناب و حاجی آباد
نشانی : بندرعباس-نرسیده به میدان قدس روبروی در مانگاه مهدیه
۲۲۲۱۳۹۷-۲۲۴۶۰۳۳ - ۰۹۱۷۱۶۳۰۰۵۷ عبدالمجید بیغاء

موسسه حسابداری و حسابرسی امید گامبرون جنوب ثبت (۴۷۶)
*حسابداری حسابرسی * تهیه اظهار نامه مالیاتی و بیمه ای * تهیه صورتهای مالی فارسی و انگلیسی
* طراحی سیستم کنترل داخلی * تنظیم گزارشهای مالی جهت بانکها و سایر موسسات مالی و اعتباری -
*تامین و آموزش کادر موسسات و شرکتها * تهیه صورتهای مالی از مدارک ناقص اصلاح حسابها و...
تلفن تماس :
۰۹۱۷۱۶۳۵۲۵۱ خاکسارنژاد ۰۹۱۷۳۶۸۶۶۲۶
E-mail:
omid gamberoon jonoob@ gmail.com

شرکت خدمات مالی و حسابرسی عصر دانش بندر(سهامی خاص) ثبت ۶۲۵۲تاسیس ۱۳۸۲
حسابداری
تامین کادر مالی
حسابرسی
تهیه صورتهای مالی
تهیه اظهار نامه مالیاتی
اعتبارات و خزانه داری
مشاوره مالیاتی و بیمه ای
اصلاح حسابها و رسیدگی اسناد
عصر دانش بندر
تلفن تماس :
۰۹۱۷۳۶۸۴۴۱۶محمد حسینی
E-mail:
Asrdanesh۸۲@ yahoo.com